

## آسیب‌شناسی مبانی فکری و ایدئولوژیکی

### جنبش‌های اخیر منطقه خاورمیانه

(در یک بررسی تطبیقی با مبانی فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی ایران)

حسن محمد میرزائی\*  
مهدی ابوطالبی\*\*

#### چکیده

در بررسی تمدن جدید غرب، از جمله نکاتی که بیش از هر چیز دیگر جلب توجه می‌کند بحث کنار گذاشتن دین از روند تعاملات اجتماعی و رواج اندیشه‌های سکولاریسم است، جریانی که پیش‌بینی می‌شد به سرعت همه چیز را تغییر داده و هیچ چیز نتواند جلودار آن نباشد. اما با وقوع انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹) از یک سو، دین به عرصه اجتماع بازگردانده شد و از سوی دیگر، روند جدیدی در معادلات و حرکت‌های مردمی جهان، بالاخص منطقه خاورمیانه آغاز گردید. با تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی به متغیری بسیاری کلیدی به نام «دین» (اسلام شیعی) می‌رسیم. لذا در این نوشته سعی شده است که با انجام یک سری مطالعات اکتشافی و اسنادی، و با در نظر گرفتن فرضیه الهام‌گیری جنبش‌های اخیر منطقه از انقلاب اسلامی ایران، علت توفیق انقلاب اسلامی به عنوان یک حرکت دینی و عدم توفیق تحولات اخیر خاورمیانه مثل مصر و لیبی، از منظری ایدئولوژیکی مورد بررسی قرار گیرد.

**کلید واژه‌ها:** دین و مذهب، سکولاریسم، انقلاب اسلامی، تشیع، خاورمیانه، بیداری اسلامی، آسیب‌شناسی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد تهران و پژوهشگر مرکز مطالعات راهبردی دانشگاه امام حسین (ع)

**Email:** h.mirzaie@shahed.ac.ir

۲. دکتری علوم سیاسی و استادیار گروه تاریخ اندیشه معاصر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم

## مقدمه

"دین و مذهب" همواره یکی از تأثیرگذارترین عناصر موجود در هر جامعه‌ای محسوب می‌گردد که البته این تأثیرگذاری از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت می‌باشد، اما در مجموع می‌توان دین را به عنوان یکی از نهادهای اصلی اجتماعی<sup>۱</sup> در هر جامعه‌ای در نظر گرفت که می‌تواند عامل تعیین کننده و نیرومندی در پدیده‌های اجتماعی باشد، به نهادهای دیگر شکل بدهد، بر ارزش‌ها تأثیر گذاشته و روابطی را تحت نفوذ خود بگیرد (زاگرم، ۱۳۸۴: ۱۷۵). ساموئل هانتینگتون نیز چنین معتقد است: «در جهان جدید، دین یکی از نیروهای اصلی و شاید تنه‌ای نیروی اصلی برای ایجاد انگیزه و بسیج مردم است» (نظریه برخورد تمدن‌ها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵: ۱۰۴؛ به نقل از شجاعی زند، ۱۳۸۳: ۸۲). در مقام نگرش به دین نیز تعاریف متعددی از دین صورت گرفته است<sup>۲</sup> اما در اصطلاح دین پژوهشی جدید، غالباً برای دین مبانی الهی، رسالت و یا قیامتی قائل نیستند (صفائی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). البته در این نوشته مقصود ما تعاریفی است که دربرگیرنده ادیان الهی باشد، لذا طبق تعاریف حوزه مطالعات درون دینی؛ دین مجموعه‌ای از احکام مطابق با واقع و احکام عملی و اخلاقی است که در رسیدن انسان به کمال و سعادت حقیقی نقش دارند، البته این آموزه‌های الهی از جانب خداوند متعال بر پیامبر نازل گردیده و تبیین آن نیز بر عهده وی و اوصیای او می‌باشد (حسین زاده، ۱۳۸۹: ۹۰).

در بررسی رابطه بین دین و اجتماع، تأثیرگذارترین برهه‌های تاریخی که باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد مربوط به دوره‌هایی از تاریخ اروپا می‌گردد که اصطلاحاً از آن‌ها با تعابیر "قرون وسطی"، "رنسانس" و "مدرنیته" یاد می‌شود. در این بررسی‌ها، با مقطعی تقریباً ۱۰۰۰ساله

---

۱. طبق دیدگاه غالب اندشمندان علوم اجتماعی در هر جامعه‌ای پنج نهاد اجتماعی بنیادین وجود دارد که این نهادها عبارتند از: دین یا مذهب، خانواده، آموزش، اقتصاد و دولت (کوئن، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

۲. از جمله این تعاریف نگرشی است که جامعه‌شناسان به دین دارند، "آنتونی گیدنز" جامعه‌شناس معاصر انگلیسی، بر این باور است که: «ادیان متضمن مجموعه‌ای از نمادها هستند، که احساسات حرمت یا خوف را طلب می‌کند و با شعائر یا تشریفات (مانند کلیسا) که توسط اجتماع مؤمنان انجام می‌شود پیوند دارند... خواه اعتقادات یک دین شامل خدایان باشد یا نباشد، عملاً همیشه موجودات یا اشیایی وجود دارند که حالات خوف یا حیرت را القاء می‌کنند» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۴۹۶). اما آن‌چه که در این گونه از تعاریف مورد غفلت واقع می‌شود این است که چنین تعاریفی، دارای جامعیت نیست، چرا که دینی همچون اسلام (بالاخص اسلام شیعی) را تحت پوشش قرار نمی‌دهد؛ در این تعریف نه از پویایی دین خبری است و نه از عنصر امیددهنده و به حرکت درآورنده موجود در آن. لذا این نکته بسیار حائز اهمیت است که در بررسی و مطالعه هر پدیده‌ای، باید هویت واقعی آن پدیده مورد بررسی قرار گرفته و چارچوب زمانی و مکانی آن پدیده را نیز مدنظر قرار دهیم. مثلاً در بررسی‌هایی که پیرامون «دین و مذهب» صورت می‌گیرد نمی‌توان با مطالعه یک دین در یک جامعه و یک مقطع زمانی خاص، مشاهدات و نتایج تحقیقات خود را به دیگر ادیان موجود در سایر جوامع تعمیم داد. علاوه بر این، هر کدام از این ادیان (بالاخص ادیان آسمانی)، دارای ماهیت و هویت خاصی هستند که باید با دقت و داشتن سطح بالایی از دانش و اطلاعات پیرامون آن‌ها، مورد بررسی قرار گیرند.

(حدوداً قرون ۵ تا ۱۵ میلادی) روبه‌رو می‌شویم که به اذعان بسیاری از اندیشمندان، این برهه از تاریخ، صفحه تاریکی در روند فکر و اندیشه اروپائیان محسوب می‌گردد. در این دوران که از آن تحت عنوان قرون وسطی یاد می‌گردد، تعارض امپراتوران اروپایی و کلیسا، منجر به حاکمیت کلیسا شد، کلیسایی که به نام دین داعیه دفاع از دین را داشت، اما در طول حاکمیت بلندمدت خویش، اقداماتی را انجام داد که بر خلاف فطرت آدمی بود. این امر، دیر یا زود مردم را متوجه انحرافات نمود که به نام دین از سوی کلیسا بر آنان عرضه و تحمیل می‌گشت، همین اقدامات کلیسا بود که مقدمات عصیان و شورش همگانی اروپائیان را مهیا نمود. رنسانس (تولد مجدد)، در حقیقت، به معنای طرد کلیسا و فراموشی واقعیت الهی و دینی است، لذا پیدایش اندیشه‌های سکولاریسم در غرب، بازتاب حوادثی بود که در قرون وسطی رخ داد (نوروزی، ۱۳۹۰: ۴۷). همانطور که گفته شد حرکات مقدس مآبانه و خشک کلیسا، باعث نوعی دل زدگی از دین شد که اصطلاحاً از آن به عنوان «سکولاریسم» (دنیوی شدن، جدایی دین از عرصه‌های اجتماعی زندگی بشر) یاد می‌گردد. در تفکر سکولار نه تنها ربوبیت از خداوند نفی می‌شود و جهان بدون خدا تصور می‌گردد که حتی خداوند به عنوان یک حقیقت عینی نیز نفی گردیده و صرفاً فرآورده اندیشه بشر تلقی می‌گردد (مشکی، ۱۳۸۸: ۱۸۹). این تفکر بر این باور است که دولت، اخلاق، آموزش و پرورش و بسیاری از عرصه‌های اجتماعی زندگی انسان باید مستقل از دین باشند و هیچ حوزه‌ای نباید متأثر از دین باشد (همان: ۱۸۱). به‌طور کلی، می‌توان مهمترین بنیادهای فکری و اصول این نوع از اندیشه را در این موارد خلاصه نمود: ۱. انسان مداری (اومانیزم) ۲. عقل مداری (راسیونالیسم) ۳. علم‌محوری (ساینسیسم) ۴. آزادی و تساهل (لیبرالیسم) ۵. سنت‌ستیزی و نوگرایی (نوروزی، ۱۳۹۰: ۵۲-۵۰).

اما با وقوع انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، شرایطی ایجاد شد که با گذشته خود بسیار متفاوت بود، انقلابی که با برهم زدن معادلات جهانی، داعیه‌دار حرف جدیدی برای بشریت بود و با بازگرداندن دین به عرصه تعاملات اجتماعی انسان، زمینه‌ساز نگرش جدیدی نسبت به دین و مذهب در دنیای جدید گردید. به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران عرصه اجتماعی؛ با وقوع انقلاب اسلامی در پایان دهه ۷۰ قرن بیستم، بار دیگر اذهان جهان متوجه حضور جدی و مؤثر عنصر دین و باورهای مذهبی شد که مدت‌ها بود، نظریه‌های اجتماعی مرگ آن را نوید داده بودند (حضور، ۱۳۸۰: ۲۱). اما با پیروزی انقلاب اسلامی (۱۹۷۹) مردم ایران توانستند بار دیگر دین و ارزش‌های دینی و مدیریت روحانی را با تکیه بر مبانی و ارزش‌های الهی پس از انزوایی طولانی به عرصه اجتماع برگردانند (بیات، ۱۳۸۲: ۱۱). بنابراین «اولین شاخصه مهم انقلاب، ماهیت دینی و

اسلامی آن در مقابل دو تفکر مادی‌گرایانه غربی و شرقی بود... کاری که انقلاب اسلامی ایران صورت داد، ارائه یک نوع نظریه عقلانیت دینی در برابر عقلانیت مادی بود» (محمدی، ۱۳۸۵: ۵۹).

\* دغدغه نویسندگان مقاله پیش رو این است که در یک نگاه آسیب‌شناسانه علت عدم توفیق برخی از تحولات اخیر منطقه خاورمیانه را بر مبنای دیدگاه فکری و ایدئولوژیکی آن‌ها بررسی نماید که البته برای نیل به این هدف نخست، وضعیت کنونی جهان اسلام و جایگاه انقلاب اسلامی در آن تشریح و سپس به بررسی نقش دین در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود و در نهایت تفاوت‌های ایدئولوژیکی و بستر فکری هر کدام از این دو (انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اخیر منطقه) مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

\* سؤال اصلی این مقاله نیز عبارت است از اینکه :

علل توفیق انقلاب اسلامی به‌عنوان یک حرکت دینی و عدم توفیق تحولات اخیر خاورمیانه؛ مثل مصر و لیبی در چیست؟

\* اما برخی از اهدافی فرعی این مقاله هم بدین شرح می‌باشد:

الف) بررسی نقش دین در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران.

ب) بررسی جایگاه اندیشه‌های دینی در تحولات اخیر خاورمیانه (با نگرشی آسیب‌شناسانه).

ج) بررسی روند اندیشه غالب بشریت - بالاخص غربی‌ها- (سکولاریسم) در قرن‌های اخیر.

د) بررسی ماهیت انقلاب اسلامی ایران و چرایی و چگونگی تأثیر این انقلاب بر روند معادلات جهان.

## روش‌شناسی

روش مورد استفاده در این مقاله مبتنی بر پژوهشی اسنادی است که طی آن منابع و اسناد مکتوب در این زمینه بررسی شده و محقق با رویکردی توصیفی، تبیینی و تا حدی تحلیلی، آن‌ها را مورد کنکاش قرار خواهد داد. اما منظور از این اسناد نوشتاری؛ «مواردی‌اند که در قالب جملات و عبارات، مفهومی را به خواننده منتقل می‌کنند که ممکن است به‌صورت نشر یا نظم یا دستنویس و خطی، چاپی یا الکترونیکی باشد» (ازکیا، ۱۳۸۹: ۳۷۸).

## نقش و جایگاه دین در انقلاب اسلامی ایران

در ادامه مباحثی که در بخش مقدمه بدان اشاره شد باید گفت که جریان دین‌گریزی و ترویج اندیشه‌های سکولاریستی تا جایی پیش رفت که به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، در پایان قرن بیستم در حالی که دنیا به دو بلوک غرب و شرق تقسیم شده بود، سیطره مادیت و اندیشه‌های ماتریالیستی این دو بلوک، پایان معنویت را اعلام نموده و دین را به موزه یا زباله‌دان تاریخ می‌بردند (فتحعلی، ۱۳۸۹: ۲۲۴). اما در سال ۱۹۷۹م. حادثه‌ای روی داد که نه تنها مغایر با بسیاری از این نوع تحلیل‌ها که حتی اندیشمندان جهان را دچار تعجب و شگفتی ساخت، این رویداد چیزی نبود جز پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷. «دیدگاهی که مارکس، دورکهایم و وبر همگی در آن سهیم بودند این بود که دین سنتی بیش از پیش در دنیای مدرن به صورت امری حاشیه‌ای در می‌آید و دنیوی شدن فرآیندی اجتناب‌ناپذیر است. از سه جامعه‌شناس شاید تنها وبر می‌توانست حدس بزند که یک نظام سنتی مانند اسلام ممکن است تجدید حیات عمده‌ای پیدا کند، و پایه تحولات مهم سیاسی در اواخر قرن بیستم؛ شود؛ با این همه این دقیقاً همان چیزی است که در دهه‌ی ۱۹۸۰ در ایران رخ داد» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۵۱۶). لذا طبق این دیدگاه‌های جامعه‌شناسانه، تحقق انقلاب اسلامی، پدیده‌ای استثنایی و برخلاف معادله‌های بین-المللی بود که تحلیل‌گران سیاسی هرگز احتمال وقوع آن را مطرح نمی‌کردند. چنین انقلابی توانست به سرعت بر معادله‌های جهانی اثر گذاشته و تمام جهان را تحت‌الشعاع خود قرار دهد (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۲۰). انقلابی که به‌عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک و با جهان‌بینی خاص خود، از مکتب اسلام سرچشمه گرفته بود، انقلابی که در بُعد ملی احیاگر طرح‌ها، برنامه‌ها و نظریات خاص برای حکومت و دولت‌مداری بود و در بُعد جهانی نیز با توجه به جهان‌شمولی مکتب اسلامی، دارای افکار و نظریات خاص خود بوده و ارائه‌دهنده نظام جهانی ویژه خود می‌باشد» (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۹). با توجه به روح اسلامی موجود در انقلاب اسلامی ایران، «کلیم صدیقی»، اندیشمند معاصر مسلمان که تحقیقات زیادی پیرامون انقلاب اسلامی و ابعاد آن انجام داده در تعریفی انقلاب اسلامی را چنین معرفی می‌کند: «انقلاب اسلامی عبارتست از حرکت امت مسلمان در جهت تغییر نظام غیراسلامی موجود و جایگزین نمودن یک نظام جامع و کامل اسلامی به جای آن. همچنین تلاش برای اجرای مقررات، قوانین و برنامه‌های اسلامی در کلیه شئون زندگی خویش (یعنی امت)» (صدیقی، ۱۳۷۵: ۴۹).

تا این قسمت از مباحث مشخص شد که انقلاب اسلامی از منظر بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از مهم‌ترین مصادیق انقلاب‌های دینی است (شجاعی زند، ۱۳۸۳: ۸۲). و آنچه باعث تمایز

آن از سایر انقلاب‌های جهان می‌گردد «اسلامی‌بودن» آن است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۹۸). اما در ادامه مباحث به بررسی این موضوع می‌پردازیم که دین و مذهب و یا به عبارت دقیق‌تر «اسلام شیعی» چه نقشی در انقلاب اسلامی ایفا نموده است. برای این کار نگاهی به پاره‌ای از دیدگاه‌ها و نظرات سه تن از اندیشمندان مطرح علوم اجتماعی انداخته و در نهایت حول موضوع مورد بررسی در این بخش، الگویی ارائه خواهیم داد.

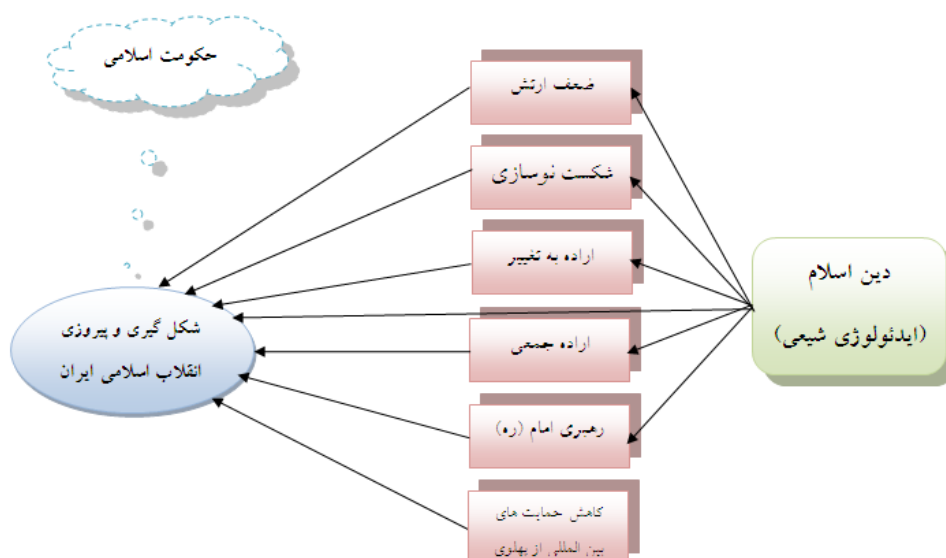
"تدا اسکاچپل" از جامعه‌شناسان ساختارگرای معاصر است که در بررسی پدیده‌های اجتماعی نقش اصلی و محوری را به ساختار داده و اهمیت چندانی برای عاملیت و یا همان کنش انسانی قائل نیست، به اعتقاد وی انقلاب‌ها ساخته نمی‌شوند بلکه می‌آیند، وقوع انقلاب در هر جامعه‌ای بستگی به شرایط آن جامعه داشته و نقش اراده انسانی در این فرآیند ناچیز است. اما بعد از وقوع انقلاب اسلامی ایران، خانم اسکاچپل در مقاله‌ای تحت عنوان «دولت تحصیل‌دار و اسلام شیعی» با تغییر در مواضع قبلی خود بیان می‌دارد که اگر بخواهیم تنها یک انقلاب آگاهانه در جهان را نام ببریم آن انقلاب ایران است (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۱: ۱۲۵). این نظریه‌پرداز آمریکایی با تغییری اساسی در نظریه‌های پیشین خود، نقش جوهری و انکارناپذیر ایدئولوژی و فرهنگ اسلامی را در انقلاب ایران مورد توجه قرار می‌دهد (کچوئیان، ۱۳۹۱: ۲۱). وی در تحلیل توان ایدئولوژی اسلام شیعی در متحد کردن همه ایرانیان، بر این باور است که اسلام شیعی با رهبری سازش‌ناپذیر توانست یک مسیر ملی - بومی جهت ابراز مخالف با شاه ایجاد نماید (عیوضی و هراتی، ۱۳۹۱: ۱۲۵).

"کریستیان برومبِرژه" اندیشمند معاصر فرانسوی است که با اخلاص آفرین خواندن انقلاب ایران معتقد است که انقلاب اسلامی، برهم زننده توازن قدرت‌های جهانی است، به اعتقاد وی این انقلاب روابط سلطه اقتصادی و سیاسی را در یکی از حساس‌ترین مناطق دنیا برهم زده است (برومبِرژه، ۱۹۸۰: ۵۴). بنابر اظهارات وی، اسلام فقط مجموعه‌ای از عقاید و باورها و آئین و آداب نیست، بلکه اسلام نظامی است که در برگیرنده مجموعه‌ای از الگوهای تفکر و اندیشه، عادات، اخلاق، سنت‌ها و باورهای اجتماعی است و مفهوم اسلام همان اندازه که بر یک دین دلالت دارد، بر یک «تمدن»، بر یک «مجموعه عادات تجربه شده در اجتماع» و بر یک جامعه با «حقوق و تکالیف» نیز دلالت می‌کند (همان: ۶۵-۶۴). البته وی با نگاه دقیق و موشکافانه‌ای که به تشیع دارد تحلیلی جامع‌تر و متفاوت‌تر ارائه می‌دهد. وی با توجه به اینکه جغرافیای اسلام دارای گستره زیادی بوده و تفکرات مختلفی را در بر می‌گیرد در تحلیل انقلاب اسلامی ایران به سراغ تفکر اسلام شیعی رفته و آن را به‌عنوان یک ابزار قدرتمند تشکیلاتی و سازمان‌دهنده با مجموعه

نهادهای تربیتی و اجتماعی می‌داند، وی شیعه دوازده امامی را با محتوای فکری نظام مند و مجموعه منطقی باورهای خویش می‌داند که می‌تواند در شرایط بحرانی خویشتن را به عنوان یک نیروی معترض و معارض، مطرح، تثبیت و تحکیم کند (همان: ۷۰-۶۹).

اما یکی دیگر از تحلیل‌ها و نظرات مطرح شده پیرامون انقلاب اسلامی ایران، مربوط به "میشل فوکو" می‌باشد. فیلسوف و جامعه‌شناس فرامدرنیستی (۱۹۸۴-۱۹۲۶) که در جریان حرکت‌ها و راهپیمایی‌های انقلابی مردم ایران، در قالب روزنامه‌نگار روزنامه معروف ایتالیایی «کوریه ره دلا سرا» دو بار به ایران سفر کرد (۱۹۷۸) وی در این سفرها که در تاریخ ۲۵ شهریور تا ۲ مهر ۱۳۵۷ و ۱۸ تا ۲۴ آبان ۱۳۵۷ صورت گرفت در شهرهای آبادان، قم و تهران با برخی از رهبران ملی و دینی و گروه‌های مختلف دیدار کرده و از نزدیک شاهد راهپیمایی‌های گسترده مردم در این شهرها بوده است (فوکو، ۱۳۷۷). وی در تحلیل‌ها و گزارشات خویش چندین متغیر را در روند شکل‌گیری پیروزی انقلاب اسلامی ایران مؤثر می‌داند ولی نقش یک متغیر را بیش از سایر عوامل برجسته می‌سازد و این عنصر مهم و کلیدی چیزی نیست جز «مذهب». وی مذهب را یک نیرو و اقتدار پر نفوذ می‌داند که می‌تواند نه تنها ملتی را علیه یک پادشاه و نیروهای پلیسی‌اش بشوراند که حتی توان آن دارد تا آن ملت را علیه کلیت یک رژیم سیاسی، علیه یک نوع از زندگی و علیه کل جهان برانگیزاند (فوکو، ۱۹۷۹: ۳۰). وی پیرامون نقش «دین و مذهب» در روند این حرکت عظیم مردمی چنین معتقد است: «مذهب به راستی واژگان، آیین و نمایش بی‌زمان بوده است که می‌توان در درون آن نمایش تاریخی ملتی را جا داد که هستی‌شان را در مقابل هستی پادشاه شان قرار دهند» (فوکو، ۱۳۸۹: ۵۶). نظام حقیقت آنان [ایرانی‌ها] با نظام حقیقت ما یکی نیست... در ایران تا حدود زیادی این نظام مبتنی است بر مذهبی که دارای شکل ظاهری و محتوایی باطنی است. به عبارت دیگر، هم آن چه در شکل صریح قانون بیان می‌شود، در همان حال به معنای دیگری باز می‌گردد (همان: ۶۶). وی در ادامه مباحث خویش پیرامون این تأثیرگذاری بسیار بالای دین در زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان چنین می‌آورد: «کجا باید در پی تأمین گشت و هویت واقعی خود را کجا باید سراغ گرفت؟ جز در این اسلامی که از قرن‌ها پیش زندگی روزانه، پیوندهای خانوادگی و روابط اجتماعی را با مراقبت تمام سامان داده است؟ اسلام این بخت را به سبب خشکی و بی‌حرکی خود بدست نیاورده است» (فوکو، ۱۳۷۷: ۲۷). طبق دیدگاه‌های ایشان، باید گفت که وی نقش بسیار مهمی برای متغیر «دین» (اسلام شیعی) قائل بوده است، متغیری که نه تنها روی متغیر وابسته (انقلاب اسلامی) که حتی بر روی سایر متغیرهای مستقل نیز تأثیرات غیرقابل‌انکاری را داشته و حتی به‌وجود آورنده (مستقیم و

غیرمستقیم) بسیاری از آن‌ها بوده است. لذا به اعتقاد فوکو، عامل اصلی پدیدآورنده، محرکه اصلی، علت دوام و بقا و همچنین جهت و آینده انقلاب اسلامی ایران را باید در عنصر استراتژیک و بنیادین «دین» جستجو نمود (خرمشاد، ۱۳۷۱: ۲۱۹). بنابراین با توجه به مباحث مختلف فوکو، می‌توان در جمع‌بندی نظرات و گزارشات وی چنین مدلی را از شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران ارائه داد:



شکل ۱: مدل نظری پیشنهادی برای دیدگاه‌های فوکو (۱۹۷۸-۱۹۷۹) پیرامون انقلاب اسلامی ایران (ذوالفقاری و محمدمیرزائی، ۱۳۹۳: ۷۷)





شکل ۲: چگونگی تأثیر «ایدئولوژی شیعی» بر سایر عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی (ذوالفقاری و محمدمیرزائی، ۱۳۹۳: ۷۹)

### انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های منطقه خاورمیانه

انقلاب اسلامی ایران پس از پیروزی با ایجاد بستر و زمینه‌ای تاریخی، به نیروی اصلی تحولات تاریخی سه دهه گذشته جهان، به‌ویژه تاریخ مسلمانان تبدیل شده است (کچوئیان، ۱۳۹۱: ۷۱). شواهد و مدارک بسیاری تأیید کننده این موضوع است که انقلاب اسلامی نه صرفاً یک انقلاب ملی که به اذعان بسیاری از صاحب نظران و سیاست‌مداران جهان، انقلابی فراملی بوده که تحولات چشمگیری را در جهان پیرامون خود- بالاخص کشورهای اسلامی- ایجاد کرده است. به اعتقاد فوکو، اهمیت تاریخی این انقلاب نه در تطابق با الگوهای انقلابی مشهور، که بلکه به امکانی مربوط می‌شود که طی آن داده‌های سیاسی خاورمیانه و در نتیجه توازن استراتژیک جهانی را متحول و تحت تأثیر قرار داده است (فوکو، ۱۹۷۹: ۳۲). تحولاتی که عامل اساسی آن را باید در اسلامی‌بودن این انقلاب و در دسترس بودن اسلام برای توده‌های میلیونی مسلمانان کشورهای مختلف دانست، به‌دلیل همین مشروعیت و مقبولیت اسلام بود که این انقلاب مورد توجه مسلمانان دنیا قرار گرفت تا با الگو برداری از آن، به تغییر در ساختارهای سیاسی و اجتماعی خویش بپردازند (برزگر، ۱۳۹۱: ۱۱۲). بنابراین با توجه به تحولات و جنبش‌هایی که طی سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه در حال روی دادن است برخی بر این باورند که جنبش‌های مردمی، در واقع نوعی بیداری الهام گرفته شده از اسلام است که با الگو قرار دادن انقلاب اسلامی، در بین

ملل مختلف اسلامی در حال گسترش است.<sup>۱</sup> البته این موضوع امری نیست که مربوط به سال‌های اخیر باشد بلکه حتی در همان اوایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران، از سوی برخی از اندیشمندان و مسئولان جهان مورد تأکید قرار می‌گیرد، یک نمونه از آن مربوط به همان ماه‌های اول پیروزی انقلاب اسلامی است که توسط فوکو مطرح می‌گردد: «ویژگی منحصر به فردی که تا کنون منبع قدرت انقلاب محسوب می‌شد، می‌تواند در ادامه تبدیل به قدرت گسترش، صدور، و انتشار آن نیز شود... در واقع، این انقلاب همچون یک حرکت و نهضت "اسلامی" می‌تواند کل منطقه را به آتش کشد، رژیم‌های با ثبات کمتر را براندازد و رژیم‌های با ثبات تر را نگران سازد» (فوکو، ۱۹۷۹: ۳۲). موضوعی که باعث نگرانی بسیاری از سردمداران کشورهای غربی از جمله: "مارگارت تاچر" (نخست وزیر انگلستان) می‌گردد: «ما غربی‌ها در دهه ۱۹۸۰ از وسایل نظامی و ابزار جنگی شوروی و اقمارش واهمه نداریم. زیرا اگر بلوک شرق و اعضای پیمان ورشو مجهز به سلاح‌های نظامی بوده و به ادوات مخرب و ویران‌گر مسلح می‌باشند، ما نیز به سلاح‌های مدرن و پیشرفته مسلح و مجهزیم؛ لیکن از حضور فرهنگ اسلامی انقلاب ایران نگرانیم» (جان استمپل، درون انقلاب ایران: ۴۳۶-۴۳۵؛ به نقل از محمدی، ۱۳۸۵: ۴۶-۴۵). "هنری کسینجر" وزیر خارجه وقت ایالات متحده آمریکا نیز در ادامه همین نگرانی‌ها، چنین معتقد است: «پیروزی ایران در جنگ [جنگ ایران و عراق] عقاید رادیکال‌سیم اسلامی را از جنوب شرقی آسیا تا سواحل اقیانوس اطلس گسترش خواهد داد» (همان: ۱۱۵؛ به نقل از محمدی، ۱۳۸۵: ۴۶). اما با وجود نگرانی‌ها و سنگ اندازی‌های کشورهای غربی، کشورهای منطقه خاورمیانه و جهان اسلام به‌طور خاص و جهان بشریت به‌طور عام تحت تأثیر این حرکت عظیم الهی و پیام‌های جهانی و منطقه‌ای آن قرار گرفت. ابداعات سیاسی و فرهنگی ایران به‌شدت برای مسلمان جذاب و حیرت آور بود و همین امر سبب شد که انقلاب اسلامی، کانون پخش<sup>۲</sup> و تراوش در منطقه گردد (برزگر، ۱۳۹۱: ۵۰). در پایان مباحث این قسمت باید گفت که انتظار بشر از دین، تعاملی متقابل است که با انتظار دین از بشر، برآورده می‌شود و آنچه که هم اکنون در خاورمیانه، و دور و همچنین باختر میانه و دور رخ داده و در آستانه وقوع است، حاصل انتظاری است که بشر از رهنمودها و آموزه‌های الهی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۱۴).

۱. اصطلاحاً می‌توان "بیداری اسلامی" را مجموعه‌ای از تحولات فکری، اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی دانست که در جهت بازگشت به حاکمیت قرآن، سنت و ارزش‌های اسلامی در زندگی سیاسی و اجتماعی و ساخت تمدن اسلامی در حال روی دادن است (صوفی نیارکی، ۱۳۹۱: ۱۷).

۲. اشاعه یا پخش عبارت است از فرآیندی که طبق آن یک امر فرهنگی (یا یک نهاد یا یک اختراع فنی) که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه‌ای دیگر مورد پذیرش قرار گیرد (پاتوف، ۱۳۶۸: ۱۱۳؛ به نقل از برزگر، ۱۳۹۱: ۳۵).

## آسیب‌شناسی تحولات ناشی از بیداری اسلامی

مبحث آسیب‌شناسی و نقد درون‌گفتمانی از مهمترین مسائلی است که باید پیرامون مباحثی از قبیل بیداری اسلامی انجام شود تا ضمن شناسایی ظرفیت‌ها و امکانات موجود، خطرات و آسیب‌های پیش‌رو نیز به دقت مورد ارزیابی قرار گیرد. همانطور که مشخص شد این مقاله بیش از هر چیز به دنبال بررسی نقش و جایگاه دین پیرامون موضوع مورد بررسی می‌باشد لذا طبیعی است که آسیب‌های مدنظر در این بخش نیز از همین منظر مورد بررسی قرار گیرد، ضمناً با توجه به اینکه قبلاً به صورت تقریباً مفصل در مورد ظرفیت‌های عظیم «دین اسلام» (بالاخص اسلام شیعی) در شکل‌گیری این تحولات صحبت به میان آمده است در این قسمت از مقاله صرفاً به بحث آسیب‌شناسی این تحولات (از منظر دین و مذهب) خواهیم پرداخت.

قبل از پرداختن به مباحث این بخش لازم است که نکاتی را مد نظر داشته باشیم: اولاً؛ همانطور که نیز اشاره گردید طبق برخی دیدگاه‌ها می‌توان ادعا نمود که جنبش‌های اخیر منطقه، طبق پیش‌بینی‌ها و تحلیل‌های صورت گرفته، تحولاتی است الهام گرفته از روح آموزه‌های «اسلامی»، که از انقلاب اسلامی ایران الگو برداری شده است.<sup>۱</sup> ثانیاً؛ به اذعان برخی از اندیشمندان و صاحب‌نظران، عنصر مهم و کلیدی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی و به تبع آن تحولات سال‌های اخیر منطقه خاورمیانه، عامل «دین و مذهب» بوده است. لذا در بررسی روند تحولات روی داده باید این متغیر به دقت و با حساسیت خاصی مورد بررسی قرار گیرد.

طی چندین ماه اخیر شاهد این واقعیت بوده ایم که تحولات روی داده در کشورهای انقلابی (بالاخص مصر و لیبی)، گاهاً از مسیر اصلی خود خارج گردیده و دچار انحرافات گردیده است، لذا شاید بتوان قسمت مهمی از این وقایع را بدین شرح تحلیل و بررسی نمود:

با توجه به اینکه این کشورها<sup>۲</sup> از لحاظ دینی و مذهبی دارای نگرشی هستند که غالباً ریشه در دیدگاه‌های اهل تسنن دارد لازم است که برخی از مهم‌ترین تفاوت‌های موجود بین دو دیدگاه مذاهب «تسنن» و «تشیع» (به‌عنوان مهم‌ترین عامل پیروزی انقلاب اسلامی و برخی از تحولات روی داده در میان شیعیان منطقه و جهان) مورد بحث و کارشناسی دقیق قرار گیرد:

۱. لازم به ذکر است که رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز طی این دو سه سال اخیر، در فرمایشات خویش مهم‌ترین ویژگی‌های تحولات اخیر در کشورهای منطقه را «اسلامی‌بودن»، «مردمی‌بودن» و «ضد آمریکایی بودن» آن‌ها دانسته‌اند.

۲. البته در اینجا بیشتر کشورهایی مدنظر هستند که انقلاب‌های روی داده در آن‌ها منجر به سقوط نظام حاکم گردیده است که می‌توان مهم‌ترین آن‌ها را کشور «مصر» دانست. لذا لازم است که کشور شیعه مذهب "بحرین" را جدای از این کشورها مورد بحث و بررسی قرار داد.

۱. شواهد تاریخی، ادله اندیشمندان و آموزه‌های مکتب تشیع مؤید این موضوع است که تفکر شیعه و شیعیان در طول تاریخ همواره دارای تشکیلات و ایدئولوژی منسجمی بوده است در حالی که در تفکر اهل سنت، خبر چندان از این موضوع نیست. از جمله مهم‌ترین این عوامل را می‌توان در این مسأله جستجو نمود که غالب اندیشمندان اهل تسنن (غیر از گروهی از معتزله) جایگاه چندان برای بحث اجتهاد قائل نیستند، در نتیجه علاوه بر ضعف و انحراف در آموزه‌ها و مبانی نقلی خویش، شأنیت خاصی نیز برای استنباط عقلی و تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی قائل نیستند لذا از لحاظ فقهی و فکری نیز پیشرفت چندان در طول تاریخ نداشته و به تبع آن تشکیلات منسجمی که مستخرج از مبانی اصیل اسلامی باشد (مثلاً در بحث رهبری جامعه) را طراحی و اجرا نموده‌اند و صرفاً به داشتن ظاهر و سخت‌افزاری اسلامی بدون توجه به نرم‌افزارهای آن اهتمام داشته‌اند.

➤ ایران تنها کشوری است که در آن تشیع دین رسمی است و [نیز] تنها کشوری است که در آن یک انقلاب اسلامی تحقق یافت. انقلاب اسلامی به سختی به تشیع، نه همچون یک مجموعه [عقاید] بلکه همچون یک تاریخ وابسته بوده و بدان گره خورده است (اولیویه روا، ۱۹۹۲: ۱۲۹).

➤ شیعه، از قرن شانزدهم، مذهب رسمی ایران بوده است. در نگاهی انتقادی، معتقد است، رهبری و نهادهای شیعه نقش مهمی در سیاست ایران داشته و اسلام شیعی از آغاز با سیاست آمیخته بوده، چنان که می‌توان گفت تاریخ و معتقدات شیعه زیربنای ایدئولوژی انقلابی مدرن را تشکیل داده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۳۳).

➤ ایران، نخستین انقلاب سیاسی «اسلامی» موفق را به جهان عرضه کرد، انقلابی که به نام اسلام و با شعار «الله اکبر» بر مبنای ایدئولوژی و نمادگرایی شیعه و رهبری روحانیت و غیرروحانیت اسلام‌گرا استوار بود و مسلمانان سراسر جهان از ثمره آن که همانا اوج گرفتن مفهوم هویت اسلام، بازگشت غرور و اقتدار مسلمان در جهانی که تحت سلطه ابرقدرت‌هاست محفوظ شدند (همان: ۴۹).

➤ سنت اهل تسنن در مسائل سیاسی سیاسی مدت‌ها بر پایه فسفه علمی معقول (rational pragmatism) استوار بود، بدون آن که از حمایت رسمی «اجتهاد» برخوردار باشد. ولی شیعه با اشتیاق فراوان از آن تحت عنوان اجتهاد، با تأیید مراجع و رهبران اصولی جدید در ۲۰۰ سال اخیر استقبال نمودند، اما برخی از علمای اهل تسنن، مسائل (و عوامل) عمده قدرت سیاسی اسلام را درک نمودند و نیز به‌طور کلی نتوانستند ماهیت واقعی تمدن غرب، و اثرات ناشی از استعمار،

ناسیونالیسم، دموکراسی و سایر مکاتب و روش‌های سیاسی غرب را ارزیابی کنند (صدیقی، ۱۳۷۹: ۱۰۴-۱۰۳).

۲. طبق آموزه‌های اهل تشیع، مشروعیت و حقانیت تنها از آن خداوند متعال و یا هر شخصی است که (به صورت خاص یا عام) این حق از سوی حق تعالی به وی اعطاء شده باشد. و در واقع در این مکتب مشروعیت (حقانیت) چیزی متفاوت و جدای از مقبولیت (خواست و اراده مردم) است. اما در تفکر اهل تسنن غالباً بحث مشروعیت و مقبولیت یکی در نظر گرفته می‌شود.

➤ در تسنن به لحاظ نظری مشروعیت و مقبولیت خلیفه- جدای از تفسیر این واژگان- بر هم منطبق است، یا با هم ارتباط تنگاتنگی دارد، درحالی‌که در تشیع، مشروعیت امام در گرو مقبولیت و پذیرش مردمان نیست (قادری، ۱۳۸۸: ۴۳).

➤ اهل سنت در حکومت، مشروعیت و مقبولیت را یک سره می‌کنند و هر جریان مسلطی که زمام امور را به دست گرفته باشد، لازم‌الاتباع است و با خروج بر او، حتی اگر کسی همچون حسین[ع] هم باشد، مه‌دورالدم می‌گردد. این برادران جز تسلط هیچ صفت دیگری را لازم نمی‌دانند و برای خروج و مبارزه هیچ دلیلی را نمی‌پذیرند؛ تنها بعضی از علماء معتزله خروج بر فاسد جائز را لازم می‌شمارند (صفائی، ۱۳۸۸: ۱۹۱).

➤ اشاعره و محدثان پیرو آن‌ها معتزله معتقدند که به نصّ شرعی نصب امام بر امت واجب است، لیکن فرقه‌های دیگر معتزله آن را عقلاً نیز بر امت واجب شمرده‌اند. [اما] امامیه نصب امام را به حکم عقل بر خداوند واجب می‌دانند (معروف الحسینی، ۱۳۷۹: ۲۷۵-۲۷۴).

➤ تشیع از آغاز به دنبال جستجوی حقیقت و حقانیت بوده است. فلسفه وجودی تاریخی آن نیز مقاومت در برابر انحراف و تحریف است (عشقی، ۱۹۸۰: ۴۵).

۳. طبق مبانی فکری اهل تشیع، رهبری جامعه در زمان غیبت امام معصوم بر عهده فردی است که نزدیک‌ترین شخص از لحاظ علم و عمل به امام معصوم باشد. در حالی در دیدگاه اهل تسنن شاهد این امر هستیم که ملاک رهبری در جامعه گاه «مقبولیت» (قرارداد اجتماعی) و گاه «قهر و غلبه» بوده و می‌باشد. که همین امر باعث شده در طول تاریخ همواره شاهد حکومت فردی بر جامعه باشیم که به جای داشتن مشروعیت، دارای قدرت و مقبولیت بوده است. البته این امر تا حد زیادی متأثر از عاقبت طلبی و محافظه‌کارهای اهل تسنن بوده است درحالی‌که طبق آموزه‌های اهل تشیع، همواره باید به دنبال حکومت ایده‌آل بود و با حاکم جائز و ظالم مبارزه نمود. که همین امر موجب حق‌طلبی دائمی شیعیان شده است که از مهم‌ترین طلایه‌داران این حق‌طلبی، علما و روحانیت شیعه بوده‌اند اما در طرف مقابل، بسیاری از مفتی‌ها و علمای اهل تسنن با تمسک به

نظریه استیلا و امنیت و با رویکردی محافظه‌کارانه نه تنها در زمینه مبارزه با حاکم جائر پیشگام نیستند که حتی با دادن فتوایی این مبارزه را بعضاً نیز حرام دانسته‌اند. از مصادیق عینی این ادعا؛ رفتار و حکم بسیاری از مفتی‌های مصری بود که مبارزه با حکومت نامشروع کودتا در مصر را برهم زنده نظم و امنیت و در نتیجه حرام دانستند.

➤ در نظام سیاسی اسلام [اسلام شیعی] برای حکومت مراحل و مراتب گوناگونی در نظر گرفته شده است که پس از عدم دستیابی به نظام و شکل برتر حکومتی، مرتبه و شکلی که یک درجه از آن فروتر است جایگزین می‌شود... شکل ایده‌آل و عالی‌ترین وجه حکومت اسلامی که از نظرگاه اسلام مطلوبیت دارد حاکمیت معصوم است، اما چون در اسلام ارزش‌ها دارای مراتب است و بی شک حکومت نیز یک ارزش برین است، وقتی با عدم دسترسی به معصوم به شکل ایده‌آل آن میسور نبود، باید کسی را برای حاکمیت برگزید که در علم و عمل شبیه‌ترین مردم به معصوم باشد و آن فقیه جامع‌الشرایط است که به جهت صلاحیت و قابلیت‌ها و شباهت بیشتری که در علم، عمل و مدیریت به معصوم دارد، جانشین امام معصوم می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۹۶-۹۵).

➤ برخلاف اهل تسنن، شیعیان از یک سازمان و تشکیلاتی برخوردارند که می‌تواند عالم‌ترین و برترین مسلمان یعنی رهبر و پیشوا را تعیین کنند (اولیویه روا، ۱۹۹۲: ۱۳۵).

➤ در تشیع، «بهترین نظام» در مرکز توجه است، در حالی که در تسنن، اساس نظام کارآمد پذیرش امر واقع است... بر اساس آموزه عمومی اهل سنت حاکم لازم نیست الزاماً برترین فرد زمانه خود باشد (قادری، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۲).

➤ قیام و شورش روحانیت شیعه علیه قدرت مستقر یک سنت ایرانی است (آرون، ۱۹۷۹: ۲۷).

➤ آنچه که در مبارزه بین پیر و رهبر مذهبی [امام خمینی(ره)] و پادشاه [پهلوی دوم] برای من جالب بود، این بود که فردی از یک روستا در فرانسه، جهان را با سخنان تند و تیز خود تسخیر می‌کرد و دیگری، با پناه بردن به کاخ خود و اعتراف به اشتباهاتش روزگار می‌گذرانید (همان: ۲۴).

➤ اهل جماعت به دلیل نگرانی از آشوب یا انقلاب و برهم خوردن نظم عادی جامعه تمایل داشتند «امنیت» را تعالی بخشند... نظریه استیلا [قهر و غلبه] وضعیت پیچیده‌ای را ایجاد می‌کرد. از یک سو شق عصای مسلمین و برهم زدن نظم اجتماع، مورد سرزنش قرار می‌گرفت و از دیگر سو، فرد یا خاندان پیروز در این نزاع و درگیری، از همان مشروعیت فرد یا خاندان قبلی برخوردار می‌شد (قادری، ۱۳۸۸: ۴۴).

۴. فرمایشات و سیره عملی ائمه و پیشوایان معصوم (علیهم السلام) در مبارزه علیه ظلم و حکومت طاغوت، بارزترین جلوه‌های حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی است که در طول تاریخ وجود داشته است،

شیعیان با الهام‌گیری و الگوگیری از اقوال و رفتار خویش، همواره در طول تاریخ با حساسیت بیشتری نسبت به سایر مسلمانان در پی رسیدن به حق و حقیقت بودند، مواردی مانند؛ تأکید بر مشروعیت، داشتن رهبری اصلح و... نمونه‌هایی حاکی از همین واقعیت است. هرچند تشیع در طول تاریخ همواره ائمه (علیهم‌السلام) را الگو مبارزاتی خویش قرار داده است، اما اهل تسنن تمایل چندانی برای بهره‌گیری از این ظرفیت عظیم الهی نداشته و پیوسته از این جهت در ضعف و کمبود به سر می‌برده است.

➤ ائمه شیعه، شخصیت‌های کلیدی و اصلی فرهنگ شیعی را تشکیل می‌دهند. آنان به‌عنوان سمبل‌های مشروعیت مبتنی بر عدالت الهی، کشته شدگان در راه آرمان‌های مردم و یا وقف-کنندگان زندگی خود در راه این اهداف و آرمان‌ها، موضوع احترام، بزرگداشت، مهر و محبت و روح دین‌داری مردمی هستند (عشقی، ۱۹۸۰: ۴۶).

➤ امامان شیعه به‌عنوان وارثان و مخاطبان مشروع قدرت که دائماً از آن محروم بوده‌اند، تجسم مقاومت و مخالف اقلیت شیعه در برابر قدرت‌های غاصبان هستند. ایرانیان به‌طور مستمر و فعال در کنار ائمه، علیه خلفا قرار داشته‌اند. به همین دلیل بعد از غیبت دوازدهمین امام و در دوران انتظار بازگشت مهدی(عج)، ائمه در نظر ایرانیان سمبل همیشه زنده عدالت‌خواهی، حق‌جویی و حقیقت‌طلبی باقی مانده‌اند (همان: ۴۶).

➤ شیعه به پیروی از سیره سیاسی ائمه اهل بیت(ع)، در طول تاریخ خونبار خود تنها به موضع-گیری سیاسی در برابر خلفا و زمامداران جبار زمان اکتفا نکرد و با وجود اینکه از هر فرصتی برای ابراز نفی مشروعیت این حکومت‌ها و اظهار تنفر نسبت به طاغوت‌های زمان بهره‌داری می‌کرد. ولی این نفرت را در عمل نیز آشکار ساخت و با قیام‌های خونین، سلسله بهم پیوسته تاریخی مبارزه حق با باطل را تداوم بخشید و پرچم قیام بر علیه حکومت‌های نادر مردمی و ستم پیشه را به دوش کشید (عمید زنجانی، ۱۳۷۴: ۹۷).

➤ موضوع کربلا و مظلومیت امام و اهل بیتش در طول تاریخ به هر دلیلی که بوده، برای تشیع به یک رمز و شعار و هویت انقلابی و خصیصه لاینفک تشیع تبدیل شده و پیروان اهل بیت در هر زمان و عصری برای حفظ این رمز و شعار از جان نیز گذشته‌اند و حراست و حرمت آن را به معنی پاسداری از موجودیت و شرف و مذهب خود دانسته‌اند (همان: ۸۰).

➤ نود درصد ایرانی‌ها شیعه‌اند و منتظر بازگشت امام دوازدهم‌اند تا نظام راستین اسلام را روی زمین مستقر کند. وقتی آیت‌الله شریعتمداری را (که یکی از مراجع روحانی در ایران است) دیدم، یکی از نخستین جمله‌هایی که به من گفت این بود: «ما منتظر مهدی هستیم، اما هر روز برای

استقرار حکومت خوب مبارزه می‌کنیم» در برابر قدرت‌های مسقر، تشیع پیروان خود را به نوعی بی‌قراری مدام مسلح می‌کند و در ایشان شوری می‌دمد که هم سیاسی و هم دینی است (فوکو، ۱۳۷۷: ۳۰-۳۹).

➤ یک مشاور آمریکایی امیدوار است که «اگر ماه محرم را مقاومت کنیم همه چیز را می‌توان نجات داد و گرنه...» وزارت خارجه آمریکا هم منتظر سالگرد امام شهید است (همان: ۵۳).

۵. اما یکی دیگر از مهمترین معضلات مربوط به این بخش، بحث تفکرات و رفتارهای افراط‌گرایانه‌ای است که توسط برخی از فرقه‌های اهل سنت؛ بلاخص سلفی‌ها (به‌ویژه در مصر) صورت می‌گیرد. این رفتارها نه تنها باعث انحراف مسلمانان از مسیر اسلام ناب می‌گردد که حتی باعث به‌وجود آمدن اختلاف و گسست‌هایی نیز در بین مسلمانان می‌گردد و این همان چیزی است که برای آینده این جنبش‌ها سمی بسیار مهلک است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که قبلاً بدان اشار گردید، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نیست که دین در طول تاریخ بشریت، همواره به‌عنوان یکی از بنیادی‌ترین نیروهای موجود در هر جامعه‌ای مطرح بوده است، عنصری که با توجه به اقتضای مکانی و زمانی هر دوره‌ای نقشی مؤثر و تعیین‌کننده در روند تحولات و تعاملات بشری داشته است. انقلاب اسلامی ایران نیز با داشتن روحی اسلامی، همواره به‌عنوان حرکتی محسوب می‌گردیده که داعیه‌دار بازگشت مجدد دین به عرصه تعاملات اجتماعی بشر و بهره‌گیری حداکثری از آن بوده است. و این همان چیزی است که باعث تأثیرپذیری و بیداری بسیاری از مسلمانان و ملل آزادی‌خواه عالم گردیده است. با توجه به الگوبرداری جنبش‌های اسلامی از این انقلاب عظیم اسلامی، لازم است که عناصر و مبانی موجود در انقلاب اسلامی (با محوریت اسلام شیعی) به درستی تئوریزه شده و در قالب گفتمانی متقن به جهانیان عرضه گردد، چرا که در تحولات اخیر منطقه شاهد این واقعیت بوده‌ایم که نه تنها در بسیاری از موارد از ظرفیت‌های عظیم دین استفاده نگردیده که حتی در مواردی با برداشت سطحی و غیراصولی از آن، مشکلاتی نیز در مسیر حرکت این جنبش‌ها روی داده است. البته سهم بزرگی از این مشکلات مربوط به ماهیت دین و مذهب (تفکرات اهل تسنن) در کشورهای بوده است که با روح و ماهیت اسلام واقعی (تفکر شیعی) فاصله بسیاری داشته‌اند. اما آنچه در پایان لازم به یادآوری است توجه نمودن به این نکته مهم است که در این شرایط حساس جهان و



آسیب‌شناسی مبانی فکری و ایدئولوژیکی جنبش‌های اخیر منطقه خاورمیانه... □ ۱۸۹

منطقه، باید بیش از پیش در بازگرداندن امت اسلامی به دامان اسلام ناب، که چیزی جز تفکر اصیل "اسلام شیعی" نیست، اهتمام گردد.

## منابع

- امام علی بن ابیطالب(ع)، ۱۳۸۶، *نهج البلاغه*، ترجمه محمد دشتی، قم، مسجد مقدس جمکران.
- ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه، ۱۳۸۹، *روش‌های کاربردی تحقیق*، تهران، کیهان.
- اسپوزیتو، جان.ال.، ۱۳۸۲، *انقلاب اسلامی و بازتاب جهانی آن*، ترجمه محسن مدیر شانه چی، تهران، باز.
- برزگر، ابراهیم، ۱۳۹۱، *نظریه‌های بازتاب جهانی انقلاب اسلامی ایران*، تهران، دانشگاه امام صادق(ع).
- جوادی آملی، عبدا...، ۱۳۹۱، *گستره دین*، قم، مرکز نشر اسراء.
- حسین زاده، محمد، ۱۳۸۹، *درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت‌دینی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- حضوری، علی محمد، ۱۳۸۰، *انقلاب و اندیشه*، تهران، پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی.
- زاکرمن، فیل، ۱۳۸۴، *درآمدی بر جامعه‌شناسی دین*، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران، لوح فکر.
- شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۳، *ت‌کاپوهای دین‌سیاسی؛ جستارهایی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران، باز.
- صدیقی، کلیم، ۱۳۷۵، *نهضت‌های اسلامی و انقلاب اسلامی ایران*، ترجمه سیدهادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات.
- صفائی حائری، علی، ۱۳۸۸، *از معرفت‌دینی تا حکومت‌دینی*، قم، لیلہ القدر.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۴، *گزیده انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی(کتاب طوبی).

۱۹۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، س ۳، زمستان ۹۳، ش ۱۱

- عیوضی، محمدرحیم و محمدجواد هراتی، ۱۳۹۱، *درآمدی تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران*، تهران، معارف (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها).
- فتحعلی، محمود، ۱۳۸۹، *درآمدی بر نظام ارزشی و سیاسی اسلام*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- فوکو، میشل، ۱۳۷۷، *ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟*، ترجمه حسین معصومی‌همدانی، تهران، هرمس.
- فوکو، میشل، ۱۳۸۹، *ایران: روح یک جهان بی روح*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، تهران: نی.
- قادری، حاتم، ۱۳۸۸، *اندیشه‌های سیاسی در اسلام و ایران*، تهران، سمت.
- کوئن، بروس، ۱۳۸۵، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، توتیا.
- کچوئیان، حسین، ۱۳۹۱، *انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ: بیداری اسلامی در بهار عربی*، تهران: سوره مهر.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۷، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- محمدی، منوچهر، ۱۳۸۵، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۷، *انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۴، *انقلاب اسلامی؛ جهشی در تحولات سیاسی تاریخ*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۶، *نظریه سیاسی اسلام (جلد دوم: کشورداری)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- معروف الحسنی، هاشم، ۱۳۷۹، *شیعه در برابر معتزله و اشاعره*، ترجمه سید محمدصادق عارف، مشهد، آستان قدس رضوی.
- نوروزی، محمدجواد، ۱۳۹۰، *فلسفه سیاست*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

آسیب‌شناسی مبانی فکری و ایدئولوژیکی جنبش‌های اخیر منطقه خاورمیانه... □ ۱۹۱

- آرون، ریمون، ۱۹۷۹، «پیامبر بی سلاح»، مجموعه مقالات اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه محمدباقر خرمشاد (۱۳۸۴)، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز)، صص ۲۷-۲۴.

- ذوالفقاری، ابوالفضل و حسن محمدمیرزائی، ۱۳۹۳، «فوکو و انقلاب اسلامی ایران (۱۹۷۹)؛ مدل سازی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران بر اساس دیدگاه‌های میشل فوکو»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، تابستان ۱۳۹۳، شماره ۳۷.

- روا، اولیویه، ۱۹۹۲، «ایران: تشیع و انقلاب»، مجموعه مقالات اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه محمدباقر خرمشاد (۱۳۸۴)، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).

- برومبزه، کریستیان، ۱۹۸۰، «انقلاب در ایران: چند اثر و نشانه برای یک قرائت و تحلیل»، مجموعه مقالات اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران، ترجمه محمدباقر خرمشاد (۱۳۸۴)، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).

- بیات، اسدا...، ۱۳۸۲، «انقلاب اسلامی و چالش‌ها»، مجموعه مقالات همایش چالش‌های آینده انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی.

- خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۷۱، «فوکو و انقلاب اسلامی ایران؛ معنویت‌گرایی در سیاست»، پژوهشنامه متین ۱.

- عشقی، لیلا، ۱۹۸۰، «فرهنگ اسلامی، سلاح مردم در انقلاب ایران»، مجموعه مقالات اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران. ترجمه محمدباقر خرمشاد (۱۳۸۴)، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).

- فوکو، میشل، ۱۹۷۹، «انبار باروتی به نام اسلام»، مجموعه مقالات اندیشمندان علوم اجتماعی و انقلاب اسلامی ایران. ترجمه محمدباقر خرمشاد (۱۳۸۴)، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (انتشارات باز).